**فهرست مطالب**

[فرع پنجم: تصرفات در عالم 2](#_Toc401383674)

[1- ارتباط با ملائکه و اجنه 2](#_Toc401383675)

[2- تسخیر انسان‌ها 2](#_Toc401383676)

[3- کیمیاگری 3](#_Toc401383677)

[حکم تصرفات 3](#_Toc401383678)

[پاسخ استدلال 3](#_Toc401383679)

[جمعبندی 4](#_Toc401383680)

[علل حرمت تصرفات 4](#_Toc401383681)

[1- اضرار 5](#_Toc401383682)

[2- ایذاء 5](#_Toc401383683)

[3- تصرف در حوزه سلطنت دیگران 5](#_Toc401383684)

[اضرار به غیر انسان 5](#_Toc401383685)

[دلیل عقلی 6](#_Toc401383686)

[ارتباط با ملائکه 6](#_Toc401383687)

[تصرف در حیوانات 7](#_Toc401383688)

[خلاصه بحث 7](#_Toc401383689)

[4- اضرار به غیر 9](#_Toc401383690)

[5- اضرار به نفس 9](#_Toc401383691)

بسم الله الرحمن الرحیم

# فرع پنجم: تصرفات در عالم

فرع پنجم در ذیل مباحث سحر در ارتباط با انواع تصرفات در عالم با روش‌های غیرعادی و حکم آن‌ها است. تصرفات اقسامی دارد که در فرمایشات مرحوم علامه مجلسی و مرحوم شیخ در مکاسب و بزرگان دیگر آمده است.

## ارتباط با ملائکه و اجنه

یک نوع از این تصرفاتی که می­توان در عالم خارج انجام داد ولی با روش‌های غیرمتعارف و غیرطبیعی و غیر­معمول، ارتباط با ملائکه و اجنه و احیاناً تسخیر آن‌هاست. معمولاً گفته می­شود با تسخیر ملائکه و یا اجنه و یا ارتباط با آن‌ها که با روش‌های ویژه­ای انجام می­شود اطلاعاتی را به دست می­آورند یا احیاناً تصرفی در دیگری می­کنند. این تسخیرات که خود دامنه­ای دارد و صرف یک ارتباط و فراگیری است تا اینکه آن‌ها را تسخیر کند و به نحوی تحت اراده و انقیاد قرار دهد برای کسب معلومات و احیاناً تصرفی به واسطه آن‌ها در جایی از عالم.

## تسخیر انسان‌ها

نوع دیگر از مقوله تسخیرات، تسخیر انسان‌ها است. از این قبیل هیپنوتیزمی است که الان کمی جنبه علمی پیدا کرده است که با شیوه­هایی نفوذ می­کنند و در حالت نفوذ اقراری می­گیرند و معلوماتی را از ضمیر ناخودآگاه بیرون می­آورند. البته هیپنوتیزم در روانکاوی امروز به صورت روش درمانی در­آمده است و با آن عقده­های درونی شخص را تخلیه و راهی به سمت لایه­های درونی پیدا می­کنند که در اصطلاحات روانشناسی و روانکاوی به آن ضمیر ناخودآگاه می­گویند. به‌هرحال با روش ویژه و خاصی هیپنوتیزم می­کنند برای تصرف یا معالجه یا ضرر و امثال این‌ها. این هم یک نوع به‌کارگیری روش‌های ویژه و غیرمتعارف و غیرمعمول است. این دو نوع از سنخ ارتباط و تسخیر است منتهی یک وقت تسخیر و ارتباط با ملائکه و اجنه است و یک وقت تسخیر یک شخص برای اهدافی که متصور است.

## کیمیاگری

با روش‌های ویژه­ای تبدیلی در مواد عالم ایجاد می­کردند مثلاً مس را طلا می­کردند و یا طلا را مس. تصرفاتی از طریق علم کیمیا انجام می­گرفت که یک نوع شعبده است. به صورت خلاف واقع و بر اثر سرعت عمل کارهایی انجام می­دهد که درواقع چیزی خلاف واقع نیست ولی چون شخص نمی­فهمد خلاف تلقی می­کند. شعبده به‌طور مستقل در مکاسب عنوان دارد؛ اما موارد دیگر مثل تسخیرات و تمرین مغناطیسی عنوانی در مکاسب محرمه ندارد. البته ممکن است شیوه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که ذیل بحث سحر اشاره­ای به آن‌ها می­کنیم.

# حکم تصرفات

یک سؤال کلی با ملاحظه بحث‌هایی که انجام دادیم وجود دارد که حکم این‌ها چیست؟ جمعی از بزرگان مثلاً علامه مجلسی یا بزرگان دیگری که در مکاسب ارجاع داده شده است مثل شهیدین و امثال این‌ها معتقد هستند که خیلی از این‌ها حرام است و حرمت را هم مبتنی کرده­اند بر اینکه این‌ها از مصادیق سحر است. گاهی تعبیر شده است که ملحق به سحر می­شود و علتش هم این است که این‌ها به سحر انجام کارهای خارق­العاده و غیر­طبیعی با روش‌های مخفیانه و اسرارآمیز گفته­اند. چون سحر را این‌طور معنا کرده­اند لذا این امور هم که کارهای خارق­العاده و با روش‌های پیچیده و پنهان است مصداق سحر می­شود. پس این استدلال مبتنی بر تعریف از سحر است.

# پاسخ استدلال

پاسخ این استدلال بحثی است که سابق عرض کردیم. کسانی که گفته­اند این‌ها حرام هستند از این باب است که سحر هستند و دلیلشآن‌هم این است که تعریفی از سحر ارائه داده­اند که آن تعریف بر این‌ها منطبق است. کارهای غیر­متعارف با استفاده از روش‌های غیرمتعارف و غیرمعمول. جواب این استدلال همانی است که قبلاً عرض کردیم. گفتیم که سحر کاربرد روش‌های غیرمتعارف است برای انجام کارهای غیرمتعارف، اما روش‌هایی که مبتنی بر **ارائة الباطل حقاً** است. مبتنی و متقوم به تنبیه و خدعه است. در آن فریب دادن و تصرف در خیالات دیگری است بدون اینکه واقعیتی وجود داشته باشد. لااقل این تعریف قدر متیقن است و ماوراء این واضح نیست که مفهوم سحر را بگیرد؛ یعنی سحر آنجایی است که خیال شخص را برمی‌انگیزد و او را مریض می­کند یا طوری عالم را می­بیند درحالی‌که پیدایش این مریضی یا دیدن آن امری مبتنی بر خیالی است که در او ایجاد کرده است؛ یعنی چیز غیرواقعی را واقع نشان داده است درحالی‌که درواقع این‌طور نیست و البته گفتیم این خیال منشأ آثاری واقعی می­شود. ولی در سحر باید نوعی از خدعه و تنویه و ارائه باطل به حق وجود داشته باشد. اگر این وجود دارد می­شود بگوییم این سحر است یا مطمئناً می­گفتیم مفهوم سحر این است یا اینکه می­گفتیم این قدر متیقن است و مابقی مشکوک است و شبهه مفهومیه می­شود و اجمال پیدا می­کند. پس در سحر آنچه می­توانستیم از کتب لغت استفاده کنیم و قدر متیقن و مسلم است که در سحر باید یک نوع خدعه و **ارائة الباطل** **حقا** وجود داشته باشد و اگر جایی چنین قصه­ای نیست مفهوم سحر بر آن صادق نیست. از این جهت است که به نظر می­آید مطلب درست این باشد که در سحر یک نوع تنویه و خدعه وجود دارد و جایی که تنویه و خدعه­ای نیست و ارائه باطل به حق وجود ندارد مشمول عنوان سحر نیست. این ملاک ما بود که سحر متقوم به این است البته در مواردی که بر شمرده شد یک راه برای حرمت این است که عنوان سحر صادق باشد. این عنوان که منتفی شد دیگر ذاتاً این‌ها حرام نیست بلکه با یک عناوین دیگر و ثانوی ممکن است در یک شرایطی حرام باشد.

# جمع­بندی

معلوم شد عنوان سحر در این موارد صدق نمی­کند غیر از عنوان شعبده که چون عنوان جدا دارد بحث جدایی خواهیم داشت. بقیه تسخیرات و احضار اجنه و احضار ملائکه و ارتباط با اجنه و ملائکه و تسخیر آن‌ها یا خواب مغناطیسی و هیپنوتیزم کردن و احضار ارواح است که ارواح گذشتگان را ارتباط برقرار می­شود و چیزهایی از او می­گیرد که از بعضی بزرگآن‌هم نقل شده است ارتباطی به سحر ندارد. اخیراً جزوه­ای از ورثه مرحوم قاضی طباطبائی پیدا کردم که در آنجا مواردی که ایشان ارتباط با ارواح داشته و سؤالاتی از آن‌ها کرده است و جوابی داده­اند را در جزوه­ای نوشته است. ارتباط و احضار ارواح و ملائکه و اجنه یا هیپنوتیزم و خواب کردن افرادی که در حال حیات هستند و علم حروف و اعدادی و طلسمات که با آن تصرفاتی را در عالم انجام می­دهد یا چیزهایی را کشف می­کند به دلیل اینکه در ذاتشان **ارائة الباطل** **حقا** نیست بلکه خیلی وقت‌ها کشف یک واقعیت و تصرف واقعی است مشمول سحر نیست.

# علل حرمت تصرفات

ممکن است این عناوین با اسباب دیگری محرم شوند. علل دیگری که می­تواند این عناوین را تحریم کند عبارت‌اند از:

## اضرار

اگر با به‌کارگیری این روش‌ها به دیگری ضرر بزند ولی اضرار اختصاص به روش‌های غیرمتعارف ندارد و با روش‌های متعارف هم می­تواند ضرری به دیگران زد. این‌طور نیست که صرف کار خارق‌العاده انجام دادن حرام باشد بلکه از حیث تضرر دیگری حرام می­شود و ذات این‌ها حرمت ذاتی به عنوان سحر ندارند و جزء عناوین ثانوی می­شود.

## ایذاء

اینکه کسی را آزار بدهد. اگر این تسخیر موجب آزار شخص یا انسان زنده شود ممکن است بگوییم این حرام است اما در مورد غیر زنده بعداً نکته­ای عرض می­کنم.

## تصرف در حوزه سلطنت دیگران

چون داریم **الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم** آدم‌ها بر مال و جانشان سیطره و سلطه دارند. **لا یحل مال المرء الا بطیبة نفسه** لذا مال دیگری را جز به اجازه نمی­شود تصرف کرد. به طریق اولی نمی­شود در جان دیگری و در حوزه شخصیت و روح او بدون اجازه او تصرف کرد. تصرفی که بخواهد تسخیر کند و در حیطه اراده خودش قرار دهد و خواب و بیدارش کند. این‌ها همه تصرفاتی است که علی‌القاعده باید با إذن و رضایت طرف باشد. طرفی نشسته و آدمی او را به خواب ببرد و بعد هم از او اقرار بگیرد که این تسلط در او است و سیطره­ای است که نیاز به إذن دارد و جایز نیست حتی اگر ضرر نزند و ایذاء هم نباشد. گاهی ممکن است همراه ایذاء و اضرار باشد. گاهی این‌طور بود که بچه‌ها را که تسخیر می­کردند برای اینکه چیزی کشف کنند و یک حالت جنونی در او پیدا می­شد که در او می­ماند و به‌هرحال ضرری به او می­زد.

این اعمال غیرطبیعی غیر از سحر از اقسام تسخیرات و احضار ارواح و امثال این‌ها اگر مصداق اضرار یا ایذاء یا تصرف در نفس و جان دیگری باشد جایز نیست. البته اضرار و ایذاء چه رضایت باشد چه نباشد ولو تصرف در سلطنت طبعاً وقتی اجازه بدهد مانعی ندارد.

### اضرار به غیر انسان

در همین عناوین یک فرع و سؤال دیگری وجود دارد که آیا ایذاء و اضرار به ملائکه یا اجنه یا ارواح اشکال دارد یا ندارد؟ قدر متیقن از ادله حرمت اضرار و ایذاء و تصرف در نفس دیگری و حوزه شخصیت دیگری آدمیان زنده هستند؛ اما آیا آیه شامل مردگان یا اجنه و... هم می­شود یا نه؟ اینجا اختلاف‌نظری وجود دارد. بعضی می­گویند این ادله منصرف به انسان‌های زنده است و از غیر آن‌ها منصرف است. بعضی می­گویند که این‌ها مصداق ظلم است و در ظلم فرقی نمی­کند که جنی را بدون اراده تسخیر کند یا در ملائکه اگر متصور باشد یا در ارواح دیگرانی که از دنیا رفته­اند تصرفی صورت دهد. این دو نظر است که وجود دارد و بعید نیست که این موارد مصداق ظلم باشد و لازم نیست ظلم نسبت به انسان زنده باشد بلکه نسبت به مرده یا اجنه هم مشمول این امر هست. اگر این را بگوییم همه موارد احضار و تسخیر و ارتباط و تصرف در دیگران در حوزه شخصیت و روح چه کودک چه بزرگ‌سال چه مرده یا جن یا ملائکه اگر یکی از حالت‌های اضرار و ایذاء باشد و یا تصرف بدون رضایت هم باشد حرام است. البته هر جایی شک کند که موجب ایذاء و یا آزار و اذیت هست یا نیست مانعی ندارد.

#### دلیل عقلی

صرف ارتباط برقرار کردن تصرف در دیگری نیست. تسخیر تصرف است و نیاز به این دارد که مطمئن باشد که او به این امر راضی نیست ولی صرف برقرار کردن و احضار مانعی ندارد. حاصل سخن این است که احضار ارواح و خواب مغناطیسی و هیپنوتیزم و احضار اجنه و ملائکه ذاتاً سحر نیست و حرمت و جواز آن‌ها متوقف بر این است که مصداق اضرار و ایذاء دیگران بشود یا نه. اگر مصداق اضرار و ایذاء شد اشکال دارد و اگر مصداق این نشد مانعی ندارد. بعضی می­گویند این عناوین شامل آن‌ها نمی­شود که در این صورت ادله منصرف از این‌ها می­شود ولی به نظر می­آید از باب حکم عقل، ظلم است و نیاز به ادله لفظی ندارد که بگوییم منصرف است یا منصرف نیست. دلیل عقلی می­گوید که آزار رساندن به دیگران ولو مرده یا جن باشد اشکال دارد مگر اینکه بداند جن کافری است؛ و الا علی‌القاعده اشکال دارد و اضرار به کافر باید بر طبق ضوابط شرعی باشد. پس حرمت به ایذاء و اضرار برمی‌گردد.

### ارتباط با ملائکه

حال محل بحث است و من هم تردید دارم که آیا می­شود بر ملائکه­ای که از عالم مجردات و عالم غیب هستند و قدرتی فوق این عالم طبیعت دارند چیره شد. این جای تردید دارد گرچه عظمت روح انسان بالاتر از این‌ها است ولی در حد آدم‌های معمول و غیر ائمه جای تردید است. کمی مستبعد است ولی در اجنه واقع است و عمل می­شود. یک ارتباط داریم و یک تصرف و تسخیر داریم. ارتباط با ملائکه قطعاً جایز و میسر است ولی اینکه از آن‌ها برای کار بدی کمک بگیرد یا بخواهد تسخیر کند محل تأمل وجود دارد. تسخیر جن ممکن است. اینکه در انسان تأثیر می­گذارند وجود دارد ولی از این طرف معمولاً می­گویند قابل تسخیر است. ارتباط معنوی و روحی می­شود ولی ارتباط شعوری که می­گوید لمس کند و ببیند و بفهمد مراتب بالاتری می­خواهد و الا اصل ارتباط وجود دارد و می­شود از آن‌ها کمک گرفت؛ اما اینکه این ارتباط را بفهمد و درک کند یا آگاه به این ارتباط باشد محل بحث است. بحث ما در ارتباط ویژه است. بعضی این کار را می­کنند و با ملائکه ارتباط ویژه برقرار می­کنند و خبرهایی را می­گیرند و احیاناً تصرفاتی می­کنند. همین محل بحث است که آیا از غیر مجرای شرعی و ولایت الهی و با ریاضت­ میسر است یا نه؟ ارتباط مشکلی ندارد ولی تسخیر مشکل­تر است. عالم خیلی پیچیده است و ممکن است از یک جهت مسانختی پیدا کند و همیشه هم خباثتی در کار نیست.

###  تصرف در حیوانات

قسم دیگر تصرف در حیوانات است. گاهی حیوانات را تسخیر می­کنند و با واسطه حیوان چیزی می­فهمد یا اقدامی انجام می­دهد. تسخیر حیوانات هم از قسم تسخیر ملائکه و اجنه و ارواح و انسان‌های زنده است لکن کسی ممکن است بگوید اضرار و ایذاء در حیوانات مانعی ندارد و شاهدش هم این است که این‌ها کشته می­شوند برای اینکه انسان از گوشتشان استفاده کند. این نوع دیگر هم ذاتاً از مقوله سحر نیست ولی باید عناوین ثانوی را ببینیم. در این تردید است چون شاید یک مطلق جامع و صحیح که بگوید که اضرار و ایذاء نسبت به حیوانات حرام است نداشته باشیم. بیشتر برمی‌گردد به اینکه ممکن است کسی اینجا حکم عقلی کند. بعضی می­گویند حکم عقل وقتی می­گوید ظلم قبیح است همین‌که موجودی ذی‌شعور شد اذیت ظلم است. بعید نیست که بگوییم ظلم است یعنی آنجایی که حیوانی و موجودی شعور دارد واقعاً ناراحت و اذیت می­شود. صدق ظلم می­کند و عقلاً قبیح است و نمی­شود بگوییم این‌ها را می­کشیم برای اینکه خورده شوند و به آن استناد کنیم. مثلاً در وحوش و عقارب یا موجودات اهلی دلیل داریم که می­شود کشت و برای أکل انسان جایز است؛ اما جایی که ادله مخصصات نباشد شاید بگوییم ظلم آن را می­گیرد؛ و اگر این‌طور باشد ایذاء و اضرار به آن‌ها و تسخیر ایذائی حرام است. نبات و گیاه شعور ندارد؛ بنابراین ما سه عنوان داشتیم اضرار و ایذاء و تصرف در نفس. عنوان سوم قطعاً در حیوانات نیست چون حیوانات برای انسان‌ها آفریده شده­اند و می­شود انواع تصرفات را در آن‌ها کرد اما اگر ایذاء و اضراری باشد که شرع جایز نداشته بعید نیست که قائل به حرمت باشد. حیوانات حواس و درک‌هایی دارند که خیلی فراتر از انسان است و از آن حواس و درک بهره می­گیرند برای اینکه جرمی را کشف کنند یا واقعی را بفهمد.

### خلاصه بحث

سه عنوان محرم داشتیم:

1. اضرار

2. ایذاء

3. تصرف در نفس و جان دیگری.

مطلب دیگر رتبه این‌ها است:

1. ملائکه؛

2. اجنه؛

3. ارواح مردگان؛

4. زنده­ها؛

5. حیوانات.

این پنج رتبه است. این سه عنوان محرم در این پنج قسم را اگر بخواهیم تطبیق دهیم این‌طور است که این سه عنوان:

* در اجنه محل بحث است و بعید نیست بگوییم هر سه عنوان آنجا صدق می­کند و ادله آن را می­گیرد.
* در سه قسم بعد می­آید که آیا ایذاء یا اضرار یا تسخیر بدون إذن در ملائکه و اجنه و ارواح حرام است؟ این محل بحث است و بعید نیست که بگوییم همین است.
* در انسان‌ها قطعاً جای این است که اضرار و ایذاء و تصرف بدون إذنشان حرام است نه ارتباط تصرف.
* قسم پنجم که حیوانات باشد اضرار و ایذاء محل بحث است که بعید نیست بگوییم اشکال دارد مگر آنجایی که استثناء شده است. البته إذنی آنجا متصور نیست و ادله قطعاً از آن منصرف است.

اگر ارتباط نوعی تصرف باشد اعم است. تصرف را کنار می­گذاریم. ارتباط برقرار کردن یک نوع تصرف است ولی این مانعی ندارد و نیاز به إذن کسی نیست. ولی اینکه بخواهد تسخیرش کند و تحت اراده او قرار گیرد این تصرفی است که باید با إذن او باشد. آنچه قدر متیقن است در انسان‌های زنده اضرار و ایذاء و تسخیر بدون إذن حرام است. در چهار گروه دیگر با تفاوت‌ها و اختلافاتی بود که توضیح دادیم. در تسخیر حیوانات به خاطر همین‌که جزء همین ما فی­الارض و عالم طبیعت هستند می­گوییم مانعی ندارد ولی اگر اضرار و ایذائی به آن‌ها باشد ممکن است بگوییم نوعی ظلم است. آقای خوئی می­گوید می­شود آن‌ها را کشت ولی ما می­گوییم ظاهراً ظلم باشد و دلیل خاص داریم که مثلاً می­گوید **اقتلوا الموذی قبل أن یوذی**، دلیل خاصی اگر نباشد شاید اشکال نداشته باشد. ایشان این شواهد را آورده­اند برای اینکه به‌طورکلی بگویند این‌ها از ادله بیرون است و اینجا ظلم نیست و اضرار و ایذاء مانعی ندارد. پس مادامی که تصرف در خیال شخص و باطل را حق نشان دادن در ارتباط و احضار و تسخیر نباشد سحر نیست اما از حیث سه عنوان ثانوی بعضی از موارد اضرار و ایذاء و تصرف اشکال دارد منتهی بعضی موارد قطعی و مورد اتفاق است.

## اضرار به غیر

عنوان چهارم محرمی که اینجا متصور است این است که تسخیر و احضار ضرر و اذیتی به مسخر نزند ولی به کار گرفته شود برای اینکه به دیگران ضرر بزند. این اضرار به غیر می­شود نه اضرار به مسخر. این عنوان محرمی است که در هر یک از این پنج قسم باشد اشکال دارد. مثلاً حیوان یا ملائکه و جن یا انسانی را تسخیر کند برای اذیت ضرر دیگری. پس سه عنوان اضرار و ایذاء و تصرف مربوط به مسخر بود یا چیزی که با او ارتباط غیر­طبیعی برقرار می­کرد. عنوان چهارم محرم این است که همه این‌ها انجام شود برای اینکه به خلق‌الله ضرر بزند که آن‌هم جایز نیست مگر آنجایی که اضرار به آن‌ها جایز است مثلاً در جنگ دفاعی که دفاع مشروع باشد. در یک دفاع مشروع از خواب مغناطیسی استفاده کند برای اینکه لشکر دشمن را به خواب ببرد که ظاهراً اشکالی ندارد. با یک روش پیچیده هیپنوتیزمی سربازهای دشمن را به خواب مصنوعی ببرند و با این خواب به آن‌ها حمله ببرند و شکستشان بدهند. ادله دفاع مطلق است و ما این‌طور فکر می­کنیم که در بحث جهاد و دفاع جای بحث دارد ولی به نظر می­آید اشکال نداشته باشد. اگر دفاع هسته­ای در جنگ مشروع باشد اشکال ندارد. عناوین ثانویه شرعی است و در طریق مشروع به کار می­رود لذا مانعی ندارد. در قاموس اسلام جهاد ابتدائی وجود دارد و بحث آن در جهاد و دفاع است.

## اضرار به نفس

اضرار به خود مورد اختلاف است. آقای خوئی می­گویند مطلق اضرار به نفس حرام نیست. اضرار معتنابه یا نقص عضو اشکال دارد والا مطلق اضرار به نفس اشکال ندارد. اگر کسی سؤال کند که از نظر اسلام هدف وسیله را توجیه می­کند یا نه می­گوییم نه مطلقاً می­گوییم جایز است و نه اینکه بگوییم جایز نیست. این یک بحث شعاری است که هدف وسیله را توجیه می‌کند یا نه. می­گوییم گاهی توجیه می­کند گاهی توجیه نمی­کند. اگر وسیله مشروع باشد هیچ و اگر وسیله غیر مشروع باشد تابع قاعده اهم و مهم است. قاعده تزاحم است و در تزاحم گاهی این اهم است و گاهی آن. گاهی هدف مهم­تر است و گاهی وسیله مهم­تر. در مقام تشخیص هم فقیهی با فقیه دیگر متفاوت است. یک فقیه می­گوید که انقلاب کنید به هر قیمتی شده حتی کشت و کشتار شود برای اینکه به آنجا برسیم. یکی می­گوید نمی­شود. سابق گفتیم یا به خاطر این است که در عناوین مزاحم اهم و مهم اختلاف‌نظر دارند یا تشخیص کارشناسی‌شان متفاوت است. مرحوم امام می­گوید اگر نظم جامعه به هم بریزد و آدم‌ها کشته بشوند چون اطمینان داریم که به نتیجه می­رسیم جایز است. مرحوم آقای گلپایگانی این اطمینان را نداشته و می­گوید جایز نیست. لذا می­گوییم به عنوان اولی داشتن همه سلاح‌ها جایز بلکه واجب است.